

Research Paper

A Study on the Specific Foundations of Exegesis Based on the Chronological Order of Revelation (Tafsir Tanzili)

Ruhollah Mohammadi ^{*1} , Muhaddisa Kamribeigi ² 

¹ Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Holy Quran University of Sciences and Education. Iran. (r.mohammadi@quran.ac.ir)

² M.A. in the Holy Quran University of Sciences and Education. Iran



10.22080/qhs.2025.5870

Received:

June 13, 2025

Accepted:

August 10, 2025

Available online:

September 10, 2025

Extended abstract

1. Introduction

Revelatory Exegesis (Tafsir Tanzili) is a systematic approach to understanding the Holy Quran that relies on the historical order of its surahs' revelation. Although it has roots in the interpretative history of Muslims, in contemporary times, it has received less serious attention as an independent interpretive model with defined principles and foundations. This interpretive method, with a dynamic perspective on the gradual revelation process of the Quran, seeks to reread Quranic concepts within the framework of historical contexts and occasions of revelation. The

importance of this approach stems from its potential to open new horizons in understanding the gradual progression of Quranic teachings and addressing the needs of contemporary society. However, a research gap in the systematic explanation of the foundations of this interpretive method is keenly felt. This study, employing a descriptive-analytical method and an in-depth examination of library sources, aims to explore the distinguishing foundations of chronological interpretation across three domains – ontological, methodological, and teleological – and to provide a coherent theoretical framework for this interpretive approach.

***Corresponding Author:** Ruhollah Mohammadi

Address: Holy Quran University of Sciences and Education. Iran.

Email: r.mohammadi@quran.ac.ir

2. Research method

This research was conducted using a descriptive-analytical approach, drawing on library research and the examination of original interpretive and foundational texts. In this method, through the systematic collection of data from reliable sources and subsequent qualitative content analysis, the foundations of chronological interpretation were extracted and categorized

3. Results

The findings reveal that the foundations of chronological interpretation comprise three interconnected domains. Ontologically, it demonstrates inherent compatibility with the Quran's gradual revelation, possesses legitimacy for understanding divine intent, contains inherent wisdom in its revelatory sequence, and shows no contradiction with the canonical arrangement. Methodologically, it adheres to the Prophet's educational approach, has historical validation through the practice of the Infallibles and the Companions, and allows for systematic scholarly presentation. Teleologically, it maintains a guidance-centric orientation, aligns with human nature (fitrah), and enables societal transformation. These foundations collectively establish chronological interpretation as a coherent system offering applicable horizons for both individual and social spheres, addressing contemporary needs through its structured approach to Quranic understanding.

4. Conclusion

The specific foundations of Tanzil-based exegesis are in three domains: ontological, methodological, and teleological. The findings indicate that, in the domain of

ontological foundations, the conformity of the *Tafsir Tanzili* method with the gradual revelation of the Qur'an as its distinguishing feature, the legitimacy and validity of this approach as an authentic means to comprehend the Divine intent, the wisdom underlying the Qur'an's descending sequence, the oral nature of Qur'anic language, the divinely ordained order of revelation, and the non-contradiction between *Tafsir Tanzili* and the canonical arrangement of verses and surahs, constitute the essential elements validating this method. In the methodological domain, principles such as adherence to the Prophet's (PBUH) pedagogical and instructional style, the existence of reliable historical evidence of the infallibles and companions employing this method, and the possibility of presenting *Tafsir Tanzili* within a systematic scholarly framework form the practical structure of this approach.

Moreover, in the teleological domain, the findings reveal that guidance-centeredness, the harmony of *Tafsir Tanzili* with human nature (fitrah), and the potential for societal transformation based on this exegetical method constitute its most significant foundations, providing a practical roadmap for the contemporary age.

Funding

This article has no funding.

Authors' contribution

The article was written by two authors, with the entire research responsibility falling on the corresponding author.

Conflict of interest

Thanks to those who helped to improve the quality of this article.

References

The Holy Quran.

Al-Ghazi, 'A. M. (1382). *Bayān al-ma'ānī*. Matba'at al-Taraqi.

Ayazi, S. M. A. (1389). Naqdi bar Favaed-e Tafsir-e Tartib-e Nozoli. *Pajouhesh-haye Qurani*, *16*(62-63), 124-149.

Behjatpour, A. (1392). *Tafsir-e Tanzili (be Tartib-e Nozol)*, Mabani, Osool, Ghavaed va Favaed. Chap 1. Pajouheshgah Farhang va Andisheh Es-lami.

Darzah, M. I. (1383 Q). *Al-Tafsīr al-Hadīth*. Dar Ihya' al-Kutub al-Arabiyya.

Faqihizadeh, A., Mohammadi Anviq, M., & Dehqani, F. (1404). Tahliol-e Farayand-e Nahaadisezi va Sabot-e Namaz dar Jame'e bar Asas-e

Tartib-e Nozol-e Surah-ha. *Faslnameye Qur'an, Farhang va Tamaddon*, *6*(2), 1-23.

Jawhari, S. M. H. (1397). Naqd-e Nazariye-ye Tafsir bar Paye-ye Tartib-e Nozol. *Pajouheshname-ye Maaref-e Qurani*, *9*(33), 35-65.

Karbasifroshan, M., Mehrizi, M., Ayazi, S. M. A., & Ghazizadeh, K. (1400). Adall-e Ejaz-e Aghli va Naqli-ye Tafsir-e Nozoli-ye Qur'an-e Karim. *Motale'at-e Qur'an va Hadith*, *15*(1), 53-72.

Shaker, M. K. (1389). *Naqd va Barresi-ye Ruykard-haye Mokhtalef-e Tafsir-e Qur'an bar Asas-e Tartib-e Nozol*. Korsi-ye Nazariyeh Pardazi. Baseh Ettela' Resani-ye Mo'asseseh Farhangi-ye Fahim.

علمی

بررسی مبانی خاص تفسیر به ترتیب نزول (تنزیلی)

روح الله محمدی^{*۱}، محدث کمریگی^۲ ID^۱ استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی شاهرود، ایران، (r.mohammadi@quran.ac.ir)^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی ملایر، ایران، (kmrbygyhmdthh@gmail.com)

10.22080/qhs.2025.5870

چکیده

«تفسیر تنزیلی» به عنوان روشی نظام‌مند برای فهم قرآن کریم بر پایه ترتیب نزول سوره‌ها، اگرچه پیشینه‌ای دیرینه دارد، اما در قالب یک الگوی مستقل تفسیری با مبانی مشخص، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای، در پی تبیین مبانی خاص تفسیر تنزیلی در سه عرصه هستی‌شناختی، روش‌شناختی و غایت‌شناختی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در حوزه مبانی هستی‌شناختی، انطباق روش تفسیر تنزیلی با نزول تدریجی قرآن به عنوان ویژگی متمایزکننده، مشروعیت و جواز این روش به عنوان شیوه‌ای معتبر برای فهم مراد الهی، حکیمانه بودن سیر نزولی قرآن، گفتاری بودن زبان قرآن، توقیفی بودن ترتیب نزول و عدم منافات تفسیر تنزیلی با توقیفی بودن نظم آیات و سوره‌ها، از جمله ارکان اساسی اعتبار این روش به شمار می‌روند. در عرصه مبانی روش‌شناختی، مواردی چون لزوم تأسی از شیوه تعلیم و تدریس پیامبر(ص)، وجود شواهد تاریخی متقن از بهره‌گیری معصومین و اصحاب از این روش و نیز امکان ارائه تفسیر تنزیلی در قالب علمی، چارچوب اجرایی این روش را تشکیل می‌دهند. همچنین در حوزه غایت‌شناختی، یافته‌ها حاکی از آن است که هدایت‌محوری، هماهنگی روش تفسیر تنزیلی با فطرت و نیز امکان تحول‌سازی جامعه بر پایه تفسیر تنزیلی به عنوان مهم‌ترین مبانی این عرصه به شمار می‌رود و استخراج یک نقشه راه عملی برای عصر حاضر فراهم می‌آورد. بر اساس این، تفسیر تنزیلی با اتکا بر این مبانی، نه تنها یک روش مشروع و معتبر، بلکه ضرورتی انکارناپذیر برای دست‌یابی به فهمی همه‌جانبه، پویا و کاربردی از قرآن کریم است که می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای امروز بشر باشد.

تاریخ دریافت:

۲۳ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش:

۱۹ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ انتشار:

۱۹ شهریور ۱۴۰۴

کلیدواژه‌ها:

تفسیر تنزیلی؛ مبانی خاص
تفسیر تنزیلی؛ ترتیب نزول؛
نزول تدریجی قرآن؛ سیر تربیتی
قرآن؛ قرآن کریم

* نویسنده مسئول: روح الله محمدی

آدرس: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی ایمیل: r.mohammadi@quran.ac.ir
شاهرود، ایران.

۱ مقدمه

تفسیر تنزیلی روشی از تفسیر قرآن کریم است که در آن، آیات و سوره‌ها براساس ترتیب تاریخی نزول بررسی و تحلیل می‌شوند. هدف اصلی این روش، فهم تدریجی و مرحله‌ای قرآن است که دقیقاً همان‌گونه بر پیامبر (ص) نازل شده است. این روش سعی دارد تا با قراردادن آیات در بستر تاریخی و واقعی نزول خود (شان نزول)، مخاطب را به درک بهتری از اهداف، اسباب و مراحل تشریع احکام و مفاهیم قرآن برساند.

تفسیر تنزیلی به جهت وجود تفسیرهای مدون و روشمند، دارای پیشینه مستحکمی نمی‌باشد؛ ولی طبق علل متقنی که موافقان بیان کرده‌اند، پیشینه روش یادشده تفسیری به دوره نزول قرآن و تفسیر و تعلیم تدریجی مفاهیم قرآن به وسیله رسول اکرم و در آخر به ارائه و تدوین مصحف امام علی (ع) می‌رسد. اثبات نمودن پیشینه‌ای که مستنداتی در رد آن ارائه گردیده، جهت تفسیر نمودن تنزیلی دارای نقش مهم و حیاتی می‌باشد؛ زیرا با اثبات آن، شیوه تفسیری یادشده به جهت مشروعیت و قدمت شیوه تفسیر رسول اکرم (ص) و نخستین شیوه تفسیری در تاریخ تفسیر می‌باشد. بر اساس این، تفسیر تنزیلی بر پیش‌فرض‌هایی مانند نزول تدریجی، تدوین نشدن قرآن در عصر پیامبر، به ترتیب نزول بودن مصحف حضرت علی (ع)، توقیفی نبودن ترتیب فعلی و... استوار خواهد بود. حصول نیت جدی پروردگار هم‌سو با نزول قرآن و کشف شیوه تحول همه‌جانبه جامعه عصر نبوی، قسمتی از فوائد سبک تفسیری مذکور معرفی گردیده است (آل غازی، ۱۳۸۲ق، ج ۱، ص ۳).

مبانی تفسیر به مجموعه اصول، پیش‌فرض‌ها و باورهای بنیادینی اطلاق می‌شود که مفسر پیش از آغاز فرآیند تفسیر، آن‌ها را به عنوان امور مسلم و پذیرفته شده در نظر می‌گیرد. این مبانی، چارچوب فکری و جهت‌گیری کلی مفسر را شکل داده و بر

فهم و برداشت او از آیات قرآن تأثیر مستقیم می‌گذارند (خوئی، ۱۳۹۵ق، ص ۲۲۵).

در این میان، مبانی تفسیر تنزیلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این مبانی همچون نقشه‌راهی عمل می‌کنند که از تقلیل یافتن تفسیر به مشاهدات پراکنده درباره تاریخ‌گذاری سوره‌ها جلوگیری کرده و به مفسر کمک می‌کنند داده‌های تاریخی را در چارچوبی کلی و هدفمند سازمان‌دهی کند.

این پژوهش از سه جهت اساسی حائز اهمیت است: اول، با تدوین مبانی علمی، هویت مستقل به تفسیر تنزیلی می‌بخشد. دوم، با انطباق بر نزول تدریجی قرآن، سیر تحول مفاهیم اسلامی را نشان داده و درکی پویا ارائه می‌دهد. سوم، با کشف برنامه تربیتی قرآن، الگویی کاربردی برای تحول جامعه امروز فراهم می‌کند.

این شیوه تفسیری بر انسجام درونی سوره‌ها و ارتباط معنادار بین آیات تأکید می‌ورزد. همچنین با بررسی روابط بین سوره‌ها در ترتیب نزول، سعی در کشف سیاق و پیوندهای زمانی و موضوعی دارد. هدف نهایی، بهره‌گیری از این شبکه ارتباطی برای درک بهتر مقاصد و مرادهای الهی است (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۳۹۷).

در این شیوه تفسیری، نقش پیامبر (ص) به عنوان معمار تحول اجتماعی مورد تأکید قرار می‌گیرد. همچنین میان آموزه‌های تربیتی جامعه و رهنمودهای الهی خطاب به ایشان، پیوند معناداری برقرار می‌شود. توجه ویژه به حکمت‌ها و توصیه‌های خاص خداوند به رسول اکرم (ص) از ویژگی‌های بارز این روش است.

مفسران این سبک بر این باورند که این روش تفسیری، ابعاد معنایی جدیدی از قرآن را آشکار می‌سازد که در سایر شیوه‌های تفسیری قابل دست‌یابی نیست. به عقیده آنان، حقایق علمی منحصر به فردی در ترتیب نزول سوره‌ها نهفته است که در ترتیب مصحفی یا موضوعی قرآن یافت

سلیمانی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «مهندسی عفاف و حجاب در تفسیر تنزیلی»، به بررسی مسأله عفاف و حجاب براساس تفسیر تنزیلی پرداخته است.

جواهری (۱۳۹۷) در مقاله «نقد نظریه تفسیر بر پایه ترتیب نزول» به نقد این روش پرداخته و اعتبار استفاده از ترتیب نزول را به‌عنوان مبنای اصلی تفسیر نمی‌پذیرد. به باور وی، زمان نزول تنها در موارد معتبر و اطمینان‌بخش می‌تواند به‌عنوان قرینه‌ای تفسیری مورد استفاده قرار گیرد.

حسین‌زاده (۱۳۹۹) در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «نقش تفسیر تنزیلی در تحلیل آیات فضایل اهل بیت (ع)» به بررسی فضائل اهل بیت (ع) در آیات مکی و مدنی براساس ترتیب نزول می‌پردازد.

کرباسی فروشان و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش «ادله جواز عقلی و نقلی تفسیر نزولی قرآن کریم» به بررسی مهم‌ترین دلایل مشروعیت این روش پرداختند. آن‌ها به مصحف امام علی (ع)، روایات مربوطه، شیوه ابلاغ وحی به پیامبر (ص) و عدم انحصار روش‌های تفسیری استناد کردند. همچنین مسائلی مانند توقیفی‌نبودن ترتیب سوره‌ها و زنده‌بودن قرآن در بستر نزول را تحلیل نمودند.

قمرزاده و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای با عنوان «ارزیابی مبانی سبک تفسیر موضوعی تنزیلی»، کارایی این روش را در کشف شیوه‌های نهادینه‌سازی آموزه‌های قرآنی بررسی کردند. نتیجه پژوهش حاکی از کارآمدی نسبی این رویکرد تفسیری بود، هرچند که برخی از مبانی آن نیاز به بازنگری و تنقیح جدی دارد.

فقهی زاده و همکاران (۱۴۰۴) با هدف بررسی فرآیند نهادینه‌سازی و تثبیت نماز در جامعه در پژوهشی «تحلیل فرآیند نهادینه‌سازی و تثبیت نماز در جامعه براساس ترتیب نزول سوره‌ها» این مسأله را مورد بررسی قرار داده است.

با بررسی پیشینه پژوهش‌ها مشخص می‌شود که علی‌رغم تلاش‌های ارزشمند پیشین، مطالعات

نمی‌شود. ابن جزری کلبی نیز در توصیف مصحف امام علی (ع) که براساس ترتیب نزول تنظیم شده بود، می‌نویسد: «و لو وجد مصحفه لکان فیه علم کبیر و لکنه لم یوجد: اگر مصحف ایشان یافت می‌شد در آن دانش بزرگی وجود داشت، ولی متأسفانه یافت نگردید» (ابن‌جزری، ۱۴۱۵ق، ص ۴).

علامه بلاغی، به بیان محمدبن سیرین، بعد از بیان علت بیعت نکردن حضرت علی (ع) با ابوبکر و ادعای تأخیر بیعت، به‌خاطر اشتغال به جمع قرآن و توصیف قرآن به اینکه به ترتیب نزول بوده، می‌نویسد: «فلو اصبت ذالک الکتاب کان فیه علم: چنانچه به این کتاب دسترسی داشتم در آن علم و دانش نهفته بود» (بلاغی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۸).

براساس مطالعات انجام‌شده، اگرچه تحقیقات قابل‌توجهی در حوزه تفسیر تنزیلی صورت گرفته، اما این سبک تفسیری به دلیل نوپا بودن، هنوز از نظر کمی و کیفی با کاستی‌هایی روبه‌رو است. ازجمله مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نکونام (۱۳۷۳)، در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی ترتیب نزول قرآن در روایات»، به بررسی تفسیر تنزیلی براساس آیات و روایات می‌پردازد.

ایازی (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «نقدی بر فواید تفسیر ترتیب نزولی»، فواید تفسیر تنزیلی را مورد بحث و مذاقه قرار داده است.

شاکر (۱۳۸۹)، در بحثی تحت عنوان «نقد و بررسی رویکردهای مختلف تفسیر قرآن براساس ترتیب نزول»، به شیوه‌های مختلف تفسیر تنزیلی پرداخته است.

بهجت‌پور (۱۳۸۹) در مقاله «رویکردی نو در تفسیر براساس ترتیب نزول» به تبیین این روش پرداخته است. وی ابتدا با استناد به روایات، مشروعیت تفسیر تنزیلی را اثبات نموده و سپس فواید و پیامدهای مثبت آن را در حوزه‌های مختلف بررسی می‌کند.

چارچوب فکری و روش‌شناختی این شیوه از تفسیر را تشکیل می‌دهند و آن را از تفسیر به ترتیب مصحفی (ترتیب فعلی) متمایز می‌سازند.

این مبانی را می‌توان به چند دسته کلی تقسیم کرد:

الف) مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی^۱
این مبانی به ماهیت قرآن و چگونگی شناخت آن مربوط می‌شود.

۱. مشروعیت و جواز تفسیر تنزیلی

این مبنا در شیوه تفسیری ترتیب نزول بسیار بااهمیت است؛ پرسش از مشروعیت یک روش تفسیری، در حقیقت پرسش از این است که آیا این روش با ماهیت قرآن به‌عنوان کلام الهی سازگار است؟ آیا این روش، شیوه‌ای معتبر و مجاز برای فهم و شناخت مراد خداوند محسوب می‌شود؟ آیا این شیوه تفسیری، دارای اعتبار و ریشه در قرآن و سنت نبوی و معصومان(ع) است؟ این پرسش‌ها مستقیماً به قلمرو معرفت‌شناختی برمی‌گردد؛ یعنی چگونه می‌توانیم قرآن را بفهمیم و کدام روش‌ها برای این فهم، معتبر و مشروع هستند.

پژوهش‌های تاریخ‌شناختی و قرآن‌شناختی بیان‌گر اثبات این مبنا در سیره معصومان(ع) می‌باشد:

۱-۱. سیر تعلیمی پیامبر اکرم(ص): آیات قرآن در نوبت‌های گوناگون نزول، بر ایشان خوانده می‌گشت و پیامبر به تبعیت از جبرئیل، در هر نوبت نزول آیات، آن‌ها را برای مردم می‌خواند.

۲-۱. ساختار ترتیب سوره‌ها در مصحف امام علی(ع): تفسیری مزجی از آیات قرآن می‌باشد. حضرت از خصوصیات مصحف خویش این‌گونه یاد نموده‌اند: «ما نزلت آية على رسول الله إلا أقرأنيها وأملأها علي، فأكتبها بخطي و علمني تأويلها و تفسيرها وناسخها و منسوخها...» (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، مقدمه، ص ۱۴۲).

موجود در حوزه تفسیر تنزیلی از نظر پرداختن به مبانی، دارای خلأهای جدی هستند. این مقاله با تمرکز بر تدوین نظام‌مند مبانی تفسیر تنزیلی، تمایز اساسی با پژوهش‌های پیشین دارد.

درحالی‌که تحقیقاتی مانند آثار بهجت‌پور (۱۳۸۹) و کرباسی‌فروشان (۱۴۰۰) تنها به بخشی از مبانی یا ادله جواز پرداخته‌اند و مطالعاتی نظیر سلیمانی (۱۳۹۴) و فقهی‌زاده (۱۴۰۴) صرفاً به کاربردهای موردی توجه داشته‌اند، این پژوهش برای نخستین بار به تدوین و طبقه‌بندی جامع مبانی در سه حوزه هستی‌شناختی، روش‌شناختی و غایت‌شناختی می‌پردازد.

همچنین در مقایسه با پژوهش‌های نقادانه مانند جواهری (۱۳۹۷)، این مقاله به شبهه تعارض با توقیفی‌بودن نظم مصحف پاسخی مستقیم داده و چارچوب نظری منسجم و بی‌سابقه‌ای ارائه می‌کند.

بر اساس این، این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش است که علاوه بر مبانی عام و مشترک در همه روش‌های تفسیری، همچون: وحیانی‌بودن الفاظ و معانی قرآن (آل غازی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۲)؛ مصونیت قرآن از تحریف لفظی (همان، ج ۱، ص ۵)؛ امکان و جواز فهم و تفسیر قرآن (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳، ص ۸۹)؛ حجیت ظواهر قرآن (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۱)؛ حجیت و اعتبار قرائت رایج میان مسلمانان (آل غازی، ۱۳۸۲ق، ج ۱، ص ۴۶)؛ برخورداری قرآن از ظاهر و بطن (سطوح و لایه‌های متعدد معنایی) (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳، ص ۹۱) که برای همه رویکردهای تفسیری وجود دارد، مبانی خاص تفسیر تنزیلی کدامند؟

۲ مبانی خاص تفسیر تنزیلی

مبانی خاص تفسیر تنزیلی به مجموعه اصول، قواعد و پیش‌فرض‌هایی گفته می‌شود که مبانی روش تفسیر قرآن براساس ترتیب نزول سوره‌ها (و نه ترتیب مصحف کنونی) قرار می‌گیرند. این مبانی،

¹ Philosophical & Epistemological Foundations

درباره یک موضوع می‌پردازد. اگرچه این روش متأخر و پذیرفته شده است، اما تفسیر تنزیلی از دو جهت برتری دارد: نخست، این روش در عصر پیامبر(ص) متداول بوده و دوم، قرآن به همین شیوه نازل شده است. افزون بر این، مفسر در تفسیر موضوعی ناگزیر است برای یافتن پاسخ پرسش خود، ترتیب نزول آیات را بررسی کند؛ بنابراین تفسیر تنزیلی را می‌توان شاخه‌ای از تفسیر موضوعی به-شمار آورد.

۲. منطبق بودن روش تفسیر تنزیلی بر نزول تدریجی

این اصل، پایه فلسفی روش تفسیر تنزیلی را تشکیل می‌دهد؛ چراکه قرآن را پدیده‌ای تدریجی و تاریخی می‌داند و روش شناخت آن را بر همین ماهیت استوار می‌سازد.

ترتیب نزول تدریجی ۱۱۴ سوره، نظام ویژه‌ای به قرآن بخشیده که از آن به "نظم طبیعی نزول" تعبیر می‌شود. این نظم، بازتاب‌دهنده سیر تربیتی و تمدنی قرآن در طول ۲۳ سال نبوت است.

تفسیر تنزیلی عمدتاً در دو قالب اصلی قابل بررسی است. نخست؛ **تفسیر تنزیلی سوره‌ها** که محور اصلی این نوشتار را تشکیل می‌دهد و مبتنی بر ترتیب نزول سوره‌ها در طول ۲۳ سال رسالت پیامبر(ص) است. در این روش، مفسران با مبنا قرار دادن ترتیب نزول سوره‌ها، موارد استثنایی در نزول آیات را به صورت جداگانه تبیین می‌کنند (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۴۲).

دوم؛ **تفسیر تنزیلی آیات و موضوعات** که خود به دو شکل ظهور می‌یابد: تفسیر تنزیلی ترتیبی که به-ترتیب نزول آیات در درون سوره‌ها می‌پردازد و تفسیر تنزیلی موضوعی که مباحث قرآن را براساس ترتیب نزول آن‌ها بررسی می‌کند. شایان ذکر است که این ترتیب‌های نزولی، کاملاً متفاوت از «ترتیب مصحفی» فعلی قرآن است که در زمان تدوین، شکلی دیگر به خود گرفت (همان).

۳-۱. ترغیب معصومان به قرائت و درک ترتیب نزول: از علی بن الحسین با چند واسطه از امام صادق (علیه السلام): گردآوری و تألیف نوشته‌ها نزد رسول اکرم(ص) و به سفارش ایشان به وسیله امام علی(ع) بیان گردیده و سپس به بیان رسول اکرم(ص) می‌نویسد: «لو أن الناس قرؤوا القرآن كما أنزل ما اختلف إثنان» (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۴۵۱).

با توجه به سیاق روایت که در ذیل بحث از مصحف امام علی(ع) که بر پایه ترتیب نزول تدوین شده بود، نقل گردیده (ر.ک: همان)، طرفداران تفسیر تنزیلی با استناد به این روایت، بر این باورند که عبارت «کما» در «کما أنزل» بر کیفیت و چگونگی نزول دلالت دارد و مقصود، تنها صحت الفاظ و قرائت نیست، بلکه التزام به ترتیب نزول در فهم و تفسیر قرآن است (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۵۲).

۴-۱. بهره‌گیری معصومان و اصحاب آن‌ها از این شیوه تفسیری: بین بیانات ائمه اطهار(ع) و صحابه آن‌ها مواردی دیده شده که جهت اثبات مطلبی به-ترتیب نزول آیه یا سوره‌ای استناد کرده‌اند؛ امام صادق(ع) در جواب عبدالرحمن در خصوص منظور از «عفو» در آیه «یسئلونک ماذا ینفقون قل العفو» (بقره/۲۱۹). فرموده‌اند: «الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواماً نزلت هذه بعد هذه» (فرقان/۶۷). سوره فرقان براساس جداول ترتیب نزول در ردیف ۴۲ است، در صورتی که سوره بقره در ردیف ۸۷ می‌باشد. به بیان امام(ع): پیش از نزول آیه مذکور، حد عفو در سوره فرقان نازل گردیده و واژه عفو به وضعیتی بین دست بسته بودن و اسراف اشاره می‌نماید. محمد بن نعمان در سؤال ابوحنیفه در خصوص تحریم متعه در سوره معارج و روایتی از رسول اکرم(ص) در نسخ متعه، جواب داد: «یا أبا حنیفه إنَّ سورة «سأل» مکَّیَّة و آیه المتعة مدنیَّة و روایتک شاذَّة ردیَّة» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۴۵۰).

۵-۱. مقایسه با سبک موضوعی: در کنار تفسیر به ترتیب مصحفی، روش موضوعی نیز کاربرد دارد که با گردآوری آیات مرتبط، به کشف دیدگاه قرآن

«وَإِنَّكَ لَتَلْقَىٰ الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ» (نمل/۶) و به حقیقت تو قرآن را از جانب حکیمی دانا دریافت می‌نمایی» (معرفت، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۲).

نکته مورد توجه در آیه، جمع بین دو صفت حکمت و علم سرشار خداوند عزوجل در القاء آیات قرآن بر حضرت محمد(ص) با وجود متضمن بودن علم در کلمه حکمت می‌باشد (رنجبر، ۱۳۹۹، ص ۹۶). جمع این صفات مشخص می‌نماید القای قرآن ترکیبی از دانش بیکران خدا و اتقان و محکم‌کاری در القای آیات بر حضرت محمد(ص) می‌باشد. در صورتی که فرستنده قرآن حکیم می‌باشد و محتوای قرآن متضمن حکمت بوده، نزول آیات قرآن و القاء و تلقی قرآن حکیمانه و مبتنی بر نهایت احکام و استواری می‌باشد. ریشه احکام در علم خدا به امور و مصالح و اهداف و اغراض حکیمانه‌ای می‌باشد که در نزول قرآن دیده می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۱۲۷).

در نتیجه حکمت در کلیه قسمت‌های قرآن، مانند نظام موجود بین آیات نازل گردیده، تناسب آیات نازل گردیده با حوادث و نیازهای مخاطبان، محتوا و معانی عمیق و اصلاح‌گر و نزول تدریجی قرآن مشاهده می‌گردد. در نتیجه نزول تدریجی قرآن امری از سر گزینش و تدبیر و حکمت است.

۴. گفتاری بودن زبان قرآن

از جمله مبانی اعتبار سبک تفسیری، گفتاری بودن سبک بیانی قرآن می‌باشد. این مسأله به سبک و ماهیت زبان قرآن اشاره دارد که همانند یک گفتار (و نه یک نوشتار صرفاً ادبی) در بستر زمان و در تعامل با مخاطب جاری شده است. در تفسیر تنزیلی به این ویژگی مهم زبان قرآن توجه دارد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ذیل آیات ۱۶-۱۹ سورة قیامت).

از مهم‌ترین خصوصیات کلام گفتاری توجه به ذهنیت مخاطب می‌باشد. گوینده در زمان القای مطلب شک‌ها، باورها، استنکاف یا اقدام مخاطب و درجه درک و اشتیاق یا ادبار و الفاظ و عبارات قابل درک وی را مورد توجه قرار داده و کلام را متناسب با

شیوه «تفسیر تنزیلی» منطبق بر «نزول تدریجی» است؛ زیرا هر دو روش به مطالعه و فهم آیات قرآن طبق زمان و زمینه نزول آن‌ها پرداخته و در پی روشن‌سازی پیوندهای زمانی و مکانی آیات و تناسب با وقایع و شرایط زمان نزول می‌باشند.

۳. حکیمانه بودن سیر نزولی قرآن

این مبنا تأکید می‌کند که ترتیب نزول، تصادفی نبوده و از یک حکمت و برنامه الهی پیروی می‌کند. از این‌رو، از جمله مهم‌ترین مبانی تفسیر در شیوه نزول، حکیمانه بودن سیر نزولی قرآن می‌باشد. به این معنی که شیوه نزول قرآن حکمتی دارد که از سوی خداوند می‌باشد. تا جایی که فرموده‌اند: «تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (احقاف/۲).

حکمت از ماده حکم در اصل به مفهوم ممنوعیت و بازداشتنی می‌باشد که به هدف اصلاح انجام می‌شود و به رسیدن انسان به حق و درست توسط علم و عقل گفته می‌شود و منظور از حکمت الهی، علم به اشیا و ایجاد بر نهایت احکام و استواری می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۲۶).

وصف قرآن به حکیمانه بودن دارای ابعادی است: از جمله حکیم بودن خداوند متعال می‌باشد. بعضی آیات نزول قرآن را به خداوند با صفت حکمت نسبت داده است (معرفت، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۲).

توصیف خداوند با نام "حکیم" بر استواری و اتقان قرآن در کیفیت نزول آن دلالت دارد. قرآن به-عنوان وحی آسمانی، از سوی متکلمی حکیم نازل شده است. این حکمت الهی در شیوه نزول تدریجی و تبیین مسائل گوناگون، تجلی یافته است. بر اساس این، قرآن بر پایه‌ای استوار و با احاطه کامل بر نیازهای مخاطبان فروفرستاده شده است.

از جمله جلوه‌های حکمت قرآن در دو مرحله‌ای بودن آیات قرآن به جهت اجمال و تفصیل می‌باشد. اجمالی که روح کلی آیات تفصیلی بوده و آیات تفصیلی شرح و بسط حقایق آیات احکامی و تفسیر آن‌ها به‌شمار می‌رود. از جمله ابعاد ظهور حکمت در قرآن کریم، حکمت در دریافت این کتاب می‌باشد:

آن بیان می‌نماید. از نمونه‌های آن در گفتار و خطابه‌های مستقیم خطیب با مردم و درس‌آموزی معلم با شاگردان در کلاس درس می‌باشد (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۵۲).

از خصوصیات این خطاب‌ها، اتکا به قرائن حالیه، مقامیه هنگام سخن و عدم ضرورت بیان آن‌ها- به جز موارد نادر- هنگام گفتار می‌باشد. گوینده نیازی ندارد تا با بیان کامل پیش‌زمینه‌ها به سخن پردازد (همان).

ویژگی دیگر این شیوه بیان- چنانچه گوینده حکیم و مخاطبان ظرفیت‌های مختلفی داشته باشند- نزول کلام در حد درک عموم و وجود لطائف و اسرار بین عبارات می‌باشد. به اقتضای این نوع سخن گفتن از استعاره، تشبیه، کنایه، تمثیل، مجاز و سایر انواع انتقال چند لایه مفاهیم استفاده می‌شود (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۵۳).

اثر دیگر شرح گفتاری در نظر گرفتن وقایع هنگام گفتار می‌باشد که برخی مواقع شکل جملات معترضه بین گفتار به خود می‌گیرد. به بیان فخر رازی: «مانند وقتی که آموزگار موضوعی را به دانش‌آموز آموخته و دانش‌آموز خودش را به چیزی مشغول کند و معلم به او بگوید: به من گوش کن و چیزی را که می‌گویم فراگیر، بعد از آن به ادامه تعلیم مسأله مشغول شود. هر فردی که سبب را نداند، می‌گوید: این سخن با مسأله مناسبتی ندارد. اما هر که داند، نگوید» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ص ۸۵، ذیل آیات ۱۶-۱۹ سوره قیامت. مانند آن در تفسیر قاسمی، ۱۳۷۶ق، ص ۱۰۱).

از دیگر خصوصیات گفتاری بودن بیان، تنوع موضوعات گفتار متناسب با ابعاد می‌باشد که مخاطبان بیان نموده یا در ذهن پرورانده است. برخی مواقع این توجه گفتار را صورت جنگ‌گونه‌ای می‌بخشد که به شکل ظاهر ابعاد پراکنده‌ای صورت می‌گیرد. گاهی این شیوه گفتار سبب اقتضای تکرار مسأله می‌گردد. در کلام مکتوب تناسب با حالت فعلی مخاطب رعایت نمی‌گردد و به خصوص وقتی

که دارای متن مکتوب رسالت جاودان یا طولانی مدت است و در حد نوشتارهای وقایع‌الایامی تنزل نیابد، مطالب انسجام موضوعی و فصل‌بندی و دسته‌بندی مناسب دارند. در کلام مکتوب، تکرار مباحث سبب کاهش ارزش نوشتار می‌گردد، موضوعات پراکنده مطرح نمی‌گردد، نیازی به طرح جملات معترضه متناسب با حال گفت‌وگو نمی‌باشد و اسباب و پیش‌زمینه‌های موضوع گفتار بیان می‌گردد (بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۵۴-۵۳).

نظریه گفتاری بودن زبان قرآن از جمله موضوعات روزآمد در حیطه زبان‌شناسی قرآن است و پژوهشگران بسیاری در آن بررسی کرده‌اند. در تفسیر قرآن به ترتیب نزول با تأکید بر این ویژگی زبانی قرآن، با توجه به شرایط و زمان نزول آیات در تلاش است تا درک مناسبی از قرآن به وجود آید.

۵. توقیفی بودن ترتیب نزول

این بحث که آیا ترتیب نزول نیز مانند متن آیات، توقیفی (یعنی به دستور الهی و غیرقابل تغییر) است یا اجتهادی، مستقیماً به منشأ و چینش وحیانی قرآن برمی‌گردد و یک مبناست.

تدوین قرآن با ترتیب حاضر که ابتدای آن سوره مبارکه «حمد» و پایان آن سوره مبارکه «ناس» است، از صدر اسلام انجام شده و صحابه پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) همین مصحف را بدون کم و کاست و بی‌هیچ تغییری در ترتیب آیات و سور آن، پذیرفته و به جامعه اسلامی معرفی نموده‌اند و این امر به شکل سنت و سیره قطعی بین مسلمانان شناخته گردیده است.

با این توصیف از همان ابتدا، دو دیدگاه در خصوص ترتیب حاضر آیات و سوره‌های قرآن به وجود آمد و بین قرآن‌شناسان مورد بررسی و تحقیق واقع شد که هرکدام مستنداتی را در پی خواهد داشت:

نخستین دیدگاه؛ این که ترتیب کنونی قرآن توقیفی است و در زمان پیامبر اسلام و به دستور و

ارشاد ایشان صورت گرفته است^۱ (خوئی، ۱۳۹۵: ۲۲۵).

دومین دیدگاه؛ مقابل این رأی، قاطبه مفسران و قرآن‌شناسان سعی دارند ترتیب حاضر سوره‌ها و به عقیده برخی، آیات سوره‌ها توقیفی نیست و در دوران بعد از پیامبر و به اجتهاد صحابه انجام شده است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۱۲۸/۱۲، مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸۹، ص ۶۷).

چنانچه درستی و برتری این دو دیدگاه را بپذیریم، زمینه‌ای ایجاد می‌گردد تا نتایج آن نظیر موجه و منطقی بودن رویکرد درک ترتیب نزولی را بپذیریم به‌خصوص این که طبق دیدگاهی منشأ قداست ترتیب حاضر مصحف را نه رضای خدا و پیامبر(ص) که سنت خلفاء بدانیم (همان ۱۴۴، دروزه، ۱۳۸۳ق، ج ۱، ص ۱۲؛ فیض کاشانی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۰).

این موضوع به معنی ملازمه بین توقیفی‌بودن ترتیب نزول و تفسیر نزولی نمی‌باشد و چنین هدفی نیز دنبال نمی‌گردد. چه‌بسا شخصی گرایش به توقیفی بودن ترتیب مصحفی داشته باشد، ولی طبق دلایلی مانند نگرش موضوعی، به بررسی ترتیب نزولی قرآن اقدام کند.^۲

۶. عدم منافات تفسیر تنزیلی با توقیفی بودن نظم آیات و سوره‌ها

این مبنا پاسخ به یک شبهه است و استدلال می‌کند که حتی اگر نظم کنونی مصحف توقیفی باشد، استفاده از ترتیب نزول برای فهم سیر تاریخی مفاهیم، منافاتی با آن ندارد.

اکثر مفسران و قرآن‌پژوهان پاسخ مثبتی به توقیفی بودن قرآن داده‌اند. به بیان جلال‌الدین سیوطی: «اجماع و نصوص بر توقیفی بودن ترتیب آیات دلالت داشته و در این امر شکی وجود ندارد. و در این خصوص به چند روایت استناد نموده و بیان

می‌دارد: از نصوصی که دلالت بر توقیفی بودن آیات دارند، روایاتی می‌باشند که قرائت سوره‌های قرآن در زمان و مکان‌های گوناگون برای پیامبر بیان کرده‌اند، به‌عنوان مثال در صحیح بخاری آمده که پیامبر سوره اعراف را در نماز قرائت می‌نمودند و یا هل اتی علی الانسان و الم تنزیل را در صبح‌های جمعه قرائت می‌نمودند». به بیان قاضی ابوبکر در کتاب انتصار: «ترتیب آیات، امر واجب و فرمان لازمی می‌باشد جبرئیل بیان داشت: فلان آیه را در فلان جا قرار بدهید. به اعتقاد او نیز، ترتیب آیات هر سوره و مواضع آن را از طرف پیامبر ثبت کرده، همان‌طوری که قرائت را از آن حضرت اخذ نموده است. به بیان مکی و دیگران: ترتیب آیات در سوره‌ها به دستور رسول اکرم بوده و چون حضرت به ثبت «بسمله» در سوره برائت دستور نداد، این سوره بدون بسمله رها شده است. به اعتقاد ابن حصار قرار دادن آیات به جای خویش، با وحی صورت پذیرفته است. پیامبر می‌فرمودند: فلان آیه را در فلان سوره قرار دهید و از تلاوت خویش رسول خدا(ص) به همین ترتیب امروزی با نقل متواتر یقین حاصل گردیده است» (سیوطی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۱۳-۲۰۹). در صورتی مدعیان این نظریه، مانند سیوطی، زرکشی در نوشته‌های خویش به تفصیل از آیات مستثنیات (آیات مکی در سوره‌های مدنی و بالعکس) سخن به میان آورده و نمونه‌های آن را برشمرده‌اند. قرآن در زمان پیامبر(ص) به‌صورت کامل نگارش یافت منتهی روی نوشت‌افزارهایی که به شکل مصحف و دفتری گردآوری شود و پیامبر(ص) به‌طور قطع به‌ترتیب آیات قرآنی، مردم را آگاه نمود و در مورد ترتیب سوره‌ها ارشاداتی داشته‌اند. در مصاحف گوناگون - چون این ترتیب توقیفی نبوده - دگرگونی‌هایی در ترتیب سوره‌های قرآن دیده می‌شود. قرآن با ترتیب کنونی و با هر ترتیب دیگری در زمان پیامبر(ص) وجود داشته و زمان رسول خدا(ص) گردآوری و مرتب شد. نوشت‌افزارها به کیفیتی بوده که حفظ این

^۱ ۱۳۹۵ق/۱۹۷۵م: ۲۲۵؛ آل غازی، بیان‌المعانی ۳۰/۱ و صبحی

صالح، مباحث فی علوم القرآن ۶۵.

^۲ مانند: آل غازی، بیان‌المعانی، ۷/ ۴-۷.

^۱ طبری، جامع‌البیان ۷۱/۱، سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن،

ترجمه مهدی حائری قزوینی ۱۸۱/۱ و ۲۱۱، خوئی،

برای هرفردی از شما که بخواهد مستقیم شود» (بہجت پور، ۱۳۹۲، ص ۱۶).

حتی جَنّیان از رشد و راستی‌های این سفره بهره‌مند می‌گردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۴۲۰). چنانکه می‌فرماید: «بگو به من وحی گردیده که تنی چند از جَنّیان گوش فراداشتند و گفتند: راستی ما قرآن شگفت‌آور شنیدیم که به راه رشد و درست هدایت می‌نماید. پس به آن ایمان آوردیم» (جن/۱) پیامبر اکرم ﷺ را خدای متعال، خاتم پیامبران قرار داد: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ» (احزاب/۴۰). او مأمور می‌شود تا به مردم ابلاغ نماید که انذار و رسالت من شامل تمامی افرادی می‌شود که این پیام را دریافت کنند: «قُلْ... وَأُحْيِ إِلَى هَذَا الْقُرْآنُ لَأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَ مَن بَلَغَ» (انعام/۱۹).

از طرفی، دیگر کلمات قرآن عربی می‌باشد و در آیات و سوره قرآن مسائل و مشکلات عرب معاصر نزول و علی‌الخصوص مکیان و اطراف آن ظهور و بروز دارد. تا جایی که حتی در بعضی آیات پیامبر(ص) فرستاده بر مکیان و اطراف آن معرفی می‌گردد و قرآن کتاب هشدار آنان است: «وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا» (انعام/۹۲).

نظیر آیه یادشده در سوره شوری، آیه هفت بیان شده است. آیات دوم از سوره جمعه و یک- صدویست‌ونهم از سوره بقره به رسالت پیامبر بین مکّیان و اعراب مکّی و اطراف آن اشاره نموده است.

از این دو دسته آیات استفاده می‌گردد که قرآن، جامعه عرب معاصر را جامعه نمونه قرار داده و با تمامی افراد، در هر طبقه و گروه فرهنگی و در هر دوره و برهه‌ای از زمان صحبت کرده است. مثل قرآن در این خصوص مثل روان‌شناسی می‌باشد که برابر شاگردان خویش به درمان یک نمونه از بیماران پرداخته تا به دانشجویان خویش آموزش دهد چگونه با بیمار گفت‌وگو را شروع نماید، چگونه وی

ترتیب در خصوص آن‌ها سخت بوده، به همین خاطر ابتدا، امام علی(ع) بعد از رحلت ضرت محمد(ص) با ترتیبی که مبتنی بر ترتیب تاریخ نزول قرآن بود به جمع و تألیف قرآن پرداختند.

نتیجه آنکه ترتیب کنونی آیات و سوره‌های قرآن، توقیفی و براساس وحی الهی است که پیامبر(ص) آن را دریافت و ابلاغ نمودند. این نظم، دارای حکمت و معنای خاصی است و تغییر آن مجاز نیست. در مقابل، **تفسیر تنزیلی** که به‌عنوان شکلی از تفسیر موضوعی، ترتیب نزول آیات را بررسی می‌کند، نه به قصد تغییر این نظم توقیفی، بلکه به منظور درک بهتر مفاهیم و حکمت‌های نهفته در آن پدید آمده است. بنابراین، شناخت ترتیب نزول آیات، راهکاری برای ژرف‌اندیشی در نظم الهی قرآن محسوب می‌شود و هیچ‌گونه منافاتی با توقیفی بودن چینش فعلی آن ندارد.

(ب) مبانی روش‌شناختی^۱

این مبانی به چگونگی اجرا و مراحل عملی تفسیر تنزیلی می‌پردازند.

۱. تأسی از شیوه تعلیم و تعلم پیامبر(ص) در

تفسیر تنزیلی

این مبنا بیان‌گر چگونگی آموزش قرآن توسط پیامبر(ص) است. ایشان آیات را به ترتیب نزول و در بستر حوادث تعلیم می‌دادند. ازاین‌رو، این روش، اقتداء به سیره نبوی در روش تفسیر قرآن است.

قرآن کتاب یک عصر و نسل و در مستولی یک طبقه و گروه نمی‌باشد. قرآن کتاب جاوید خداوند برای دین جاوید اسلام می‌باشد. تعلیم حیات‌بخش قرآن تمامی موجودات مختار و شایسته تکلیف را مورد خطاب قرار می‌دهد. همه در قرآن راه کمال و سعادت خویش را پیدا می‌کنند: «إِن هُوَ ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ* لِمَن شَاءَ مِنكُمْ أَن يَسْتَقِيمَ» (تکویر/۲۷) قرآن جز یادآوری و پندی برای جهانیان نمی‌باشد.

¹ Methodological Foundations.

«ای اباجعفر! همانا آیه‌ای که در سأل سائل (سوره معارج) آمده در تحریم متعه سخن می‌گوید و روایت از رسول خدا در نسخ متعه آمده است. مؤمن طاق در جواب گفت: ای اباحنیفه، سوره سأل سائل (معارج) مکی و آیه متعه مدنی می‌باشد و روایت تو در نسخ متعه غیرعادی و مردود می‌باشد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۴۵۰).

براساس بعضی روایات، ائمه اطهار(ع) با درنظرگرفتن ترتیب نزول آیات به تفسیر آنها پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه عبدالرحمن از امام صادق(ع) در خصوص منظور از عفو در آیه «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ» (بقره/۲۱۹) سؤال نمود. ایشان فرمودند: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا نَزَلَتْ هَذِهِ بَعْدَ هَذِهِ» (فرقان/۶۷)، یعنی عفو حالتی بین اسراف و بسته نگاه داشتن دست می‌باشد. این آیه بعد از آن نازل گردیده است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۸).

سوره فرقان براساس جدول‌های ترتیب نزول در ردیف ۴۲ قرار دارد، در صورتی که سوره بقره، سوره ۸۷ و نخستین سوره نازل‌گردیده در مدینه می‌باشد. امام در جواب سؤال‌کننده‌ای که مقصود از عفو را در آیه سوره بقره می‌پرسد، می‌فرماید: پیش از نزول آیه یادشده حد عفو در سوره فرقان نازل گردیده و واژه عفو اشاره به حالتی بین دست بسته بودن و اسراف داشته است.

به‌وسیله شناخت این ویژگی‌ها (ترتیب نزول) امکان استفاده از برخی ثمرات مانند اطلاع از تاریخ ظهور بعضی معارف و احکام و داستان‌هایی که هم زمان با نزول آیات بوده، فراهم می‌گردد و کیفیت ارائه دعوت اسلام طی بیست و سه سال و ثمراتی مانند این‌ها شناخته می‌گردد.

۳. امکان ارائه تفسیر تنزیلی

این مبنا یک پیش نیاز عملی است. یعنی آیا با وجود چالش‌های تاریخ‌گذاری دقیق سوره‌ها، باز هم می‌توان تفسیر تنزیلی منسجمی ارائه داد؟ پاسخ

را به بازگویی خاطرات و حوادث گذشته تشویق نماید، چگونه سرنخ‌های بعضی معضلات روحی و روانی وی را پیدا نمایند و چگونه او را درمان کند.

مهم‌ترین نکته اینکه چگونه به دنبال الفاظ و عباراتی که گاهی مختص مسائل و مباحث مکیان و یشربی‌ها (مدنیان) می‌باشد و به جامعه بسیط و سازمان‌های غیرپیشرفته بدوی مربوط است سخنان جهانی جاودان و عام و شامل تمامی فرهنگ‌ها به میان می‌آید (فیض کاشانی؛ ۱۳۶۵؛ ج ۱، صص ۲۵ و ۷۵).

پاسخ این که محتویات آیات قرآن بعضی ناظر به قواعد و اصول کلان و کلی می‌باشد که در هر مکان و دوره‌ای ساری و جاری هستند. در قرآن معارف و دانش‌افزایی و بینش‌آفرینی‌هایی دیده می‌شود که در حصار تنگ جوامع باقی نمی‌ماند نظیر همه سوره حمد، اخلاص، فلق، ناس، ماعون، همزه، عصر، تکوین، قارعه و اکثر سوره‌ها و آیات؛ همچنان‌که در قرآن گزاره‌های دستوری، حقوقی و اخلاقی متعددی عمومیت دارند. مانند تطبیق قرآن بر شرایط نوین نیاز به شناخت تشابه و همسانی مصادیق مربوط با آیات و مصادیق نوین دارد، راهی از شناخت مفهوم آیات موقع نزول و خصوصیات ویژه مصادیق مربوط آن زمان و شناخت دقیق و صحیح واقعیت کنونی نمی‌باشد. تفسیر تنزیلی تلاشی جهت درک بهتر مقصود آیات و شرایط نزول ارزیابی می‌گردد.

۲. استفاده از روش تفسیر تنزیلی در سیره

معصومین و اصحاب آنان

این مبنا سابقه تاریخی و روش عملی پیشینیان را در مواجهه با قرآن به اثبات می‌رساند.

در بین کلمات ائمه اطهار(ع) و اصحاب ایشان مواردی وجود دارد که به منظور اثبات مطلبی به ترتیب نزول آیه یا سوره‌ای استناد کرده‌اند. مانند عدم نسخ حکم آیه ازدواج موقت. در مرفوعه علی بن ابراهیم از مذاکره ابوحنیفه با محمد بن نعمان مؤمن الطاق عنوان گردیده که از وی سؤال نمود:

مثبت به این سؤال، یک مبنا برای اجرای عملی این روش است.

امکان ارائه نمودن تفسیر تنزیلی رویکرد ریشه داری می باشد که در آن مفسر با تغییر چینش آیات و سوره، به درکی واضح و موضوعی تری از قرآن می رسد و آن را تحت عنوان کتابی جهت تحول زندگی می داند. شیوه تفسیری که هم زمان با نزول آیات و سوره رسول اکرم (ص) صورت گرفته، در پی استخراج دیدگاه های موضوعی از قرآن می باشد. به طور خلاصه، تفسیر تنزیلی رویکردی جهت درک عمیق و کاربردی قرآن با تمرکز روی مباحث و هندسه های تربیتی می باشد که به عنوان تنها گزینه مفسران جهت پاسخ گویی به نیازهای حاضر مورد توجه واقع گردد (جوادی آملی؛ ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۱۵۹).

ج) مبانی غایت شناختی^۱

این مبانی به اهداف و غایات تفسیر تنزیلی اشاره دارد.

۱. هدایت محوری در تفسیر تنزیلی

این مبنا هدف غایی و فلسفه وجودی تفسیر تنزیلی را بیان می کند. هدف، تنها فهم تاریخی نیست، بلکه کشف برنامه هدایت تدریجی الهی برای الگوگیری امروز است که در این روش تفسیری مشهود است (رنجبر، ۱۳۹۹، ص ۹۹).

وجود رابطه وثیق بین رسالت قرآن و تفسیر، از ابعاد اعتبار سبک تفسیری حاضر محسوب می گردد. آشنایی با اهداف نزول قرآن، در عملیات تفسیر، دارای نقش مهمی است. این مسأله پیش فرض هایی ذهنی به مفسر می دهد و بر برداشت های وی از آیات مؤثر است. به عنوان مثال، چنانچه مفسری هدف از نزول قرآن را تربیت و هدایت مخاطبان بداند در تکرار داستان ها و وقایع کشف نکات تربیتی را مورد توجه قرار می دهد و چنانچه تکرارها را دارای هدف اعجازی و ذکر نکات بیانی شمرد، به کشف نکات و بیان آیات مکرر قرآن تلاش می نماید.

از دیگر جهت، برداشت مفسر از رسالت قرآن، مانند قرینه های منفصل، منظور بعضی آیات را مقید یا موسع می نماید؛ به عنوان مثال رسالت قرآن بیان و آشکارسازی همه چیز، از جمله اصول طبیعیات، اجتماعیات و عبادات باشد، آیه ای مانند «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل/۸۹) مفهوم گسترده ای پیدا می کند و نکات مربوط به علوم طبیعی، قسمتی از مباحث متنی و محتوای اصلی قرآن است. در صورتی که از منظر دیگری، این امور از موضوعات ضمنی و استطرادی قرآن تجاوز نمی نماید که به مناسبت مسائل مهم تر مطرح گردیده اند (رنجبر، ۱۳۹۹، ص ۹۹).

تصور این معنی که هدف قرآن برطرف نمودن مسائل جامعه بسیط عربی هم زمان با نزول قرآن بوده و پیامی بیش از این جهت جوامع آینده نداشته، انتظار معرفت بخشی و هدایتی از قرآن را پایین آورده و دستورات و معارف آن حداقلی محسوب می گردد. در این صورت اکثر گزاره های عمومی و مطلق قرآن به جامعه معاصر نزول محدود می گردد و جایی جهت استخراج مفاهیم عام و استنباط معارف و دستورات تازه، متناسب با سؤالات وجود نخواهد داشت. فراتر از این، آشنایی با شیوه پیگیری اهداف قرآن و تحقق بیرونی آن ها در جامعه معاصر نزول می باشد؛ این جامعه نقش جامعه نمونه را دارد. با شناخت روش خاص قرآن در پیاده نمودن اهدافش، مدل قرآنی تحول حصول می گردد (بهجت پور، ۱۳۹۲، ص ۴۷).

طبق مطالب بالا شناخت صحیح اهداف قرآن تا چه اندازه به اتقان عملیات تفسیر کمک می نماید. معتبرترین راه کسب مقاصد نزول قرآن و مدل پیاده سازی آن ها در جامعه معاصر نزول، بهره گیری از سبک ترتیب نزول می باشد.

۲. هماهنگی روش تفسیر تنزیلی با فطرت

این مبنا استدلال می کند که روش تدریجی قرآن، هماهنگ با فطرت تدریجی انسان در یادگیری و

^۱- Teleological Foundations.

درنهایت، فطرت نوع خاصی از خلقت است و دین مجموعه قوانینی که انسان را بر سرشت مفطور خویش راهنمایی می‌کند و فطرت فراتر از دین می‌باشد. هدایت فطری بستری به منظور هدایت وحیانی و هدایت نبوی و وحیانی بوده و مدخلی جهت بازگشت به هدایت فطری که هدایتی درونی و شهودی می‌باشد و بالاتر از آن مورد تصور نیست. نقطهٔ کانونی هدایت انبیاء، بیداری فطرت انسان جهت کسب کمال واصل خویش می‌باشد.

۳. امکان تحول جامعه بر پایهٔ تفسیر تنزیلی

این مبنا بیان‌گر هدف کاربردی و اجتماعی تفسیر تنزیلی است؛ چراکه غایت نهایی، استخراج یک «الگوی تحول آفرین» از قرآن برای ساختن جامعهٔ اسلامی است.

بدون شک انسان تحت تأثیر جامعه و خانواده است. تأثیر این دو بر شخصیت انسان مورد تأیید قرآن می‌باشد. کوشش دین جهت اصلاح جامعه و تشکیل صالحان و اهتمامی بر تشکیل خانواده‌های صالح صورت گرفته، بیان‌گر اهمیت این دو موضوع است. طوری که نابودی بعضی جوامع و خانواده‌های ناصالح، بعد از اتمام حجت، معلول این تحلیل می‌باشد. حضرت نوح(ع)، هنگام نفرین و گله‌گزاری از مردمش، به خدا عرض می‌نماید: «إِنَّكَ أَنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا (نوح/۲۷): چرا اگر تو آنان را باقی گذاری، بندگان را گمراه می‌نمایند، و جز پلیدکار ناسپاس نزنایند». قسمت نخست به نقش اجتماعی و قسمت دوم به آسیب خانوادگی بازمی‌گردد.

درنتیجه، سه عامل فطرت، خانواده و اجتماع مؤثر در شکل‌گیری شخصیت انسانی انسان هستند. ولی از نگاه اسلام، تأثیر این سه عامل به یک اندازه نبوده و عامل فطرت سازندهٔ پایهٔ اولی شخصیت انسان است. بعد از آن است که انسان از عوامل محیطی و وراثت تأثیر می‌پذیرد و تربیت می‌شود. به همین دلیل انسان توانا با وجود شرایط خاص خانوادگی و اجتماعی، می‌تواند بر تاریخ حاکم گردد و مسیر آن را تغییر و جبر تاریخ و اجتماع را

تربیت است. بنابراین، این روش برای تأثیرگذاری بر مخاطب کارآمدتر است.

بین فطرت و دین هماهنگی طرفینی وجود دارد. این هماهنگی ناشی از توافق تکوین و تشریح می‌باشد که دگرگونی در آن دیده نمی‌شود. خداوند در ادامهٔ آیهٔ ۳۰ سورهٔ روم از این تغییرناپذیری با عبارت: «لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» نام برده است.

فطرت پروردگار، درون انسان و دین توحیدمدار در بیرون، سبب قوام انسان می‌گردد و قرآن کتاب هدایت انسان به مقوم‌ترین راه‌ها می‌باشد. «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء/۹). استاد جوادی آملی در مورد قیم بودن دین: «ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» در ذیل آیهٔ ۳۰ سورهٔ روم، بیان تمثیلی حکیمانه دارند:

«معنی بیرونی بودن، بیگانه بودن نمی‌باشد، بلکه مثل این است که گفته شود: آب بیرون گیاه و گیاه تشنه آب است تا آن را جذب نماید. آب هرچند بیرون از گیاه می‌باشد اما بین درون گیاه تشنه و بیرون آن، یعنی آب حیات‌بخش، ارتباط ضروری وجود دارد.

دین اسلام که فطرت انسان آن را می‌طلبد، نظیر آبی می‌باشد که نهال تشنه، خواهان آن است. آب قیّم عطشان و عطشان مقوم او است، انسان تشنه که قوامش به عطش اوست، نمی‌تواند بگوید: آب نمی‌خواهم، چراکه نمی‌تواند بگوید: نمی‌خواهم کامل شوم... درنتیجه، مقوم درونی انسان، یعنی فطرت وی، همان عطش به کمال، به نام خداخواهی و خداجویی می‌باشد و قیم بیرون انسان همان آب زندگانی، به نام دین می‌باشد که با طی نمودن آن صراط مستقیم به هدف نائل می‌گردد» (جوادی آملی؛ ۱۳۷۸؛ ج ۱۲، ص ۱۵۸-۱۵۷). به همین دلیل، خداوند حکیم قرآن را که منبع اصیل دین است «قیّم» نامیده: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا قَيِّمًا» (کهف/۱)؛ حمد خدای را که قرآن را بر بنده‌اش نازل نمود و در آن اعوجاج و انحرافی قرار نداد، بلکه آن را قیم قرار داد.

پیش‌نیازی حُکمی است که ریشه در خود قرآن و سنت دارد. در حوزه مبانی هستی‌شناختی، یافته‌های بنیادین شامل تأکید بر «منطبق بودن روش تفسیر تنزیلی بر نزول تدریجی» به‌عنوان ویژگی تمایزگذار، «حکیمانه‌بودن سیر نزولی قرآن»، «گفتاری بودن زبان قرآن»، «عدم منافات تفسیر تنزیلی با توقیفی بودن نظم آیات و سوره‌ها» و درنهایت طرح «توقیفی بودن ترتیب نزول» به‌عنوان مقوم اعتبار روش بود. در عرصه مبانی روش‌شناختی، پژوهش به یافته‌های عملیاتی همچون لزوم «تأسی از شیوه تعلیم و تعلم پیغمبر (ص)»، وجود شواهد تاریخی از «استفاده از روش تفسیر تنزیلی در سیره معصومین و اصحاب آنان» و همچنین میسر بودن «امکان ارائه تفسیر تنزیلی» به شکل علمی دست یافت. درنهایت، در حوزه مبانی غایی، یافته‌ها حاکی از آن بود که فلسفه وجودی این روش «هدایت محوری» و کشف برنامه الهی است که به دلیل «هماهنگی با فطرت» انسان، منجر به «امکان تحول‌سازی جامعه بر پایه تفسیر تنزیلی» و استخراج یک نقشه راه عملی برای عصر حاضر می‌شود. در مجموع، این دوازده مبنا در کنار یکدیگر، سازوکار یک نظام تفسیری منسجم را تشکیل می‌دهند که تفسیر تنزیلی را به‌عنوان روشی ضروری برای فهمی عمیق‌تر، کاربردی‌تر و پویاتر از قرآن کریم تثبیت می‌کند.

شکست دهد (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۵۸). اراده و اختیار انسان مقدم بر سایر علل مؤثر بر شخصیت او می‌باشد و انسان، از نظر قرآن، شخصیتی می‌باشد که قادر است جبر طبیعت و وراثت را در امور اعتقادی، اخلاقی و رفتاری شکسته و اسیر آن‌ها نباشد. قدرت تسلط بر خویش، به توجه به ابعاد شخصیت انسانی و تقویت آن‌ها نیاز دارد و به هر میزان که این بعد قوت یابد تسلط بر خویش بیشتر می‌گردد.

تحول جامعه طبق تفسیر تنزیلی به مفهوم امکان استخراج راه‌کارهای اجتماعی از آیات قرآن می‌باشد که با درنظرگرفتن ابعاد گوناگون جامعه و نیازهای روز تفسیر می‌گردد و به جامعه در کسب اصلاح و پیشرفت یاری می‌رساند. تفسیر تنزیلی نه تنها به مفهوم درک آیات هنگام نزول، بلکه فراتر از آن، توانایی ایجاد ارتباط بین معانی قرآنی با مسائل روز جامعه و کسب راه‌حلهایی جهت مسائل اجتماعی در سایه مفاهیم می‌باشد. تحول جامعه طبق تفسیر تنزیلی ضروری است، ولی نیازمند کوشش‌های فکری و عملی به منظور کشف و تبیین بین آیات قرآن و مشکلات اجتماعی می‌باشد. این تفسیر نه تنها ابزار مهمی به منظور درک گذشته، بلکه کلیدی جهت ساختن آینده بهتری در سایه اندیشه‌های قرآنی می‌باشد.

۳ نتیجه‌گیری

مهم‌ترین دستاورد در حوزه مبانی مشروعیت، اثبات اصل «مشروعیت و جواز تفسیر تنزیلی» به‌عنوان

منابع

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق).

المفردات فی غریب القرآن. مصحح: صفوان

عدنان داودی. دمشق: دارالعلم، بیروت:

الدار الشامیه.

رنجبر، محمدرضا، (۱۳۹۹). بررسی سیر تکوینی

امت‌سازی پیامبر اکرم در سور مکی، مبتنی

بر تفسیر تنزیلی موضوعی. *مطالعات*

تفسیری. ۱۱ (۴۱)، صص ۹۳-۱۱۰.

سلیمانی، مرحمت (۱۳۹۴). *مهندسی عفاف و حجاب*

در تفسیر تنزیلی [پایان‌نامه کارشناسی

ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم].

استاد راهنما: حمید محمدی‌راد.

سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن ابی بکر (۱۴۰۷ق).

الاتقان فی علوم القرآن. بیروت: دارالکتب

العلمیه.

شاکر، محمد کاظم (۱۳۸۹)، ۲۱ فروردین). نقد و

بررسی رویکردهای مختلف تفسیر قرآن

براساس ترتیب نزول [کرسی

نظریه‌پردازی]. *پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه*

فرهنگی فهمیم.

<http://fahimco>.

/۱۰۴۸et/Post/Details/

صالح، صبحی (۱۳۸۵ق). *مباحث فی علوم القرآن*.

بیروت: دار العلم للملایین.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی*

تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی

جامعه مدرسین حوزه علمیه.

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع*

البيان فی تفسیر القرآن. بیروت:

دارالمعرفه.

عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعة (۱۴۱۵ق). *تفسیر*

نورالثقلین. مصحح: سیدهاشم رسولی

محلاتی. قم: انتشارات اسماعیلیان.

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

آل‌غازی، عبدالقادر ملاحویش (۱۳۸۲ق). *بیان*

المعانی. دمشق: مطبعة الترقی.

ایازی، سید محمدعلی (۱۳۸۹). نقدی بر فواید

تفسیر ترتیب نزولی. *پژوهش‌های قرآنی*،

۱۶ (۶۲-۶۳)، صص ۱۴۹-۱۲۴.

بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۶ق). *البرهان فی تفسیر*

القرآن. تهران: بنیاد بعثت.

بلاغی، محمدجواد (۱۴۱۹ق). *آلاء الرحمن فی تفسیر*

القرآن. قم: مؤسسه البعثة مرکز الطباعة و

النشر.

بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۸۹). رویکردی نو در تفسیر

براساس ترتیب نزول. *پژوهش‌های قرآنی*،

۱۶ (۶۳-۶۴)، صص ۷۱-۲۶.

بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۲). *تفسیر تنزیلی (به*

ترتیب نزول)، مبانی، اصول، قواعد و فواید.

قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). *تسنیم تفسیر قرآن*

کریم. قم: مرکز نشر اسراء.

جواهری، سید محمدحسن (۱۳۹۷). نقد نظریه

تفسیر بر پایه ترتیب نزول. *پژوهش‌نامه*

معارف قرآنی، ۹ (۳۳)، صص ۶۵-۳۵.

حسین‌زاده، نسیم (۱۳۹۹). *نقش تفسیر تنزیلی در*

تحلیل آیات فضایل اهل بیت (ع) [پایان‌نامه

کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف

قرآن کریم]. راهنما: احد داوری چلقائی.

خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۵ق). *البيان فی تفسیر*

القرآن. بیروت: دار الزهراء.

دروزه، محمد عزت (۱۳۸۳ق). *التفسیر الحديث*.

قاهره: داراحیاء الكتب العربیة.

کرباسی فروشان، مجید، مهریزی، مهدی، ایازی، سید محمدعلی و قاضی‌زاده، کاظم (۱۴۰۰). ادله جواز عقلی و نقلی تفسیر نزولی قرآن کریم. *مطالعات قرآن و حدیث*، ۱۵(۱)، صص ۷۲-۵۳.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسة الوفاء.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). *مجموعه آثار*. قم: انتشارات صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

نکونام، جعفر (۱۳۷۳). *بررسی ترتیب نزول قرآن در روایات* [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس]. استاد راهنما: سید محمدباقر حجتی.

فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

فقهی‌زاده، عبدالهادی، محمدی انویق، مجتبی و دهقانی، فرزاد (۱۴۰۴). تحلیل فرآیند نهادینه‌سازی و تثبیت نماز در جامعه براساس ترتیب نزول سوره‌ها. *فصل‌نامه قرآن، فرهنگ و تمدن*، ۶(۲)، ۲۳-۱.

فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۶۵). *الوافی*. اصفهان: کتابخانه الامام امیرالمؤمنین علی(ع) العامة.

قاسمی، محمد جمال الدین (۱۳۷۶ق). *محاسن التأویل* (تفسیر قاسمی). مصحح: محمد فؤاد عبد الباقي. قاهره: داراحیاء الکتب العربیه.

قمرزاده، محسن و تیموری، نسیم (۱۴۰۱). ارزیابی مبانی سبک تفسیر موضوعی تنزیلی. *مطالعات علوم قرآن*، ۴(۲)، صص ۴۹-۷۶.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). *تفسیر قمی*. مصحح: سید طیب موسوی جزایری. قم: دارالکتب.